

۱. جنگ روحانی و قلمرو نامرئی: چگونه در پیروزی گام برداریم

لینک ویدیوی یوتیوب: <https://youtu.be/v56Y1tev8uk>

درک قلمرو نامرئی: درس‌هایی از دریا

همانطور که بسیاری از شما می‌دانید، من در بندر هارویچ در سواحل شرقی انگلستان، به عنوان یک ماهیگیر تجاری و پسر یک ماهیگیر بزرگ شدم. من به دریا احترام گذاشتم و هرچند دیگر دلتنگ زحمات سخت ماهیگیری نیستم، اما مشتاق بودن در کنار آب هستم. از نظر تاریخی، دریا نماد ناشناخته‌ها و اسرار بوده است، و به حق نیز همینطور است. آیا می‌دانستید که برآوردهای اخیر نشان می‌دهد که اگرچه اقیانوس‌های ما حدود ۷۰ درصد از سطح زمین را پوشانده‌اند، تنها بخش کوچکی از آن‌ها کاوش شده است؟ تقریباً ۸۰ درصد از اقیانوس‌های ما فاقد نقشه‌برداری با وضوح بالا هستند و بسیاری از بخش‌های دریاها همچنان پنهان و ناشناخته باقی مانده‌اند.

همان‌طور که بخش بزرگی از دنیای طبیعی نادیده گرفته شده یا درک نشده باقی مانده است، بخش بزرگی از قلمرو معنوی نیز چنین است. با این حال، این قلمرو تأثیر قابل توجهی بر ما دارد. کتاب مقدس ما را نسبت به این حقیقت آگاه می‌سازد. در طول این مطالعه، ما درکی عمیق‌تر از واقعیت‌های معنوی و از اقتدار خود در مسیح برای گواهی بر پادشاهی خدا که در زندگی ما و اطرافیانمان تجلی می‌یابد، به دست خواهیم آورد.

کار کردن با پدرم به عنوان ماهیگیر تجاری تورکش در سواحل شرقی انگلستان خطرات خودش را داشت. ما گاهی با مین‌های منفجر نشده‌ای روبرو می‌شدیم که از جنگ جهانی دوم در کانال‌های کشتیرانی باقی مانده بودند. این مین‌های مغناطیسی در کف دریا قرار داشتند، پنهان اما همچنان خطرناک. یک بار، ما بزرگترین مین مغناطیسی آلمانی جنگ جهانی دوم را پیدا کردیم؛ یک دستگاه ۱۲ فوت بلند و به خوبی حفظ‌شده که حاوی ۱۵۰۰ پوند مواد منفجره بود. این مین طوری طراحی شده بود که به سمت بالا منفجر شود و کشتی‌ها را از وسط نصف کند. ما آن را با تورهایمان بیرون کشیده بودیم و در حالی که امواج قایق را به لرزه در می‌آورد، تنها چند اینچ بالاتر از عرشه ما تاب می‌خورد. این مین که از فولاد ضد زنگ ساخته شده و نو به نظر می‌رسید، در یک منطقه ماهیگیری آشنا از گل بیرون کشیده شد. ما آن را با احتیاط از تور خارج کردیم و مجبور بودیم آن را بدون حادثه از لبه عرشه عبور دهیم - عملیاتی ظریف. با گارد ساحلی تماس گرفتیم تا ببینند و آن را منفجر کنند. بعداً متوجه شدیم که قبل از انفجار، افرادی که در یک ساحل خلوت قدم می‌زدند، این هیولای ۱۲ فوتی را در زمان جزر دیده و در مورد آن کنجکاو شده بودند. تیم خنثی‌سازی بمب آن را با طنابی بلند محکم کرد و در زمان مد، آن را به آب‌های عمیق‌تر کشید و در آنجا منهدم کرد.

فقط به این دلیل که ممکن است متوجه چیز خطرناکی نشوید، به این معنا نیست که نمی‌تواند به شما آسیب برساند. برق داخل یک پریز نامرئی است، اما فرو کردن انگشتان در یک پریز زنده به سرعت نشان می‌دهد که نیروهای قدرتمند، نامرئی و در عین حال خطرناکی وجود دارند. گاز طبیعی نیز نامرئی و بی‌بو است که در صورت نشت و تجمع در خانه می‌تواند کشنده باشد. برای کمک به تشخیص نشت، شرکت‌های گاز یک بو قوی به آن اضافه می‌کنند.

من از اعماق دریا به عنوان تمثیلی برای جهان معنوی نادیدنی استفاده می‌کنم. قلمروی معنوی به همان اندازه ملموس است که دنیای فیزیکی ما هست، و من معتقدم که حتی ملموس‌تر است. چرا؟ زیرا دنیای کنونی ما موقتی است و سایه‌ای از آنچه در پیش است. حقایق معنوی نامرئی همچنان بر قلمرو مادی تأثیر می‌گذارند—عیسی دوران رسالت خود را صرف برعکس کردن اسارت معنوی و به ارمغان آوردن شفا و آزادی کرد. هرچه بیشتر از حقایق معنوی آگاه شویم، می‌توانیم پیام‌هایم را در قدرت روح القدس گام برداریم و در مسیح بر این قلمرو نامرئی اقتدار اعمال کنیم.

در کتاب دوم پادشاهان از عهد عتیق، داستانی درباره پادشاه آرام وجود دارد که به این دلیل خشمگین بود که نقشه‌ها و نیت‌هایش مرتباً برای ارتش‌های اسرائیل فاش می‌شد. او نمی‌توانست بفهمد اسرائیل چگونه از دسیسه‌هایش آگاه می‌شود (۲ پادشاهان ۶: ۸-۱۰). او که گمان می‌برد در میان رهبران جاسوسی است، نمی‌دانست که اسرائیل، الیشا، پیامبر خدا را در اختیار دارد که از همان سخنان مطلع بود که او به طور مخفیانه به ژنرال‌هایش می‌گفت (۲ پادشاهان ۶: ۱۱-۱۲). ارتباط عمیق الیشع با عوالم غیبی و زندگی داعی قدرتمندش، این بینش فوق‌العاده را به او بخشید. هنگامی که پادشاه آرام از این موهبت الیشع باخبر

شد، چنان خشمگین شد که سپاهش را برای دستگیری یا کشتن الیشع فرستاد. این داستان همچنین نشان می‌دهد که چگونه چشمان خادمان الیشع به نیروهای روحانی دخیل در این درگیری گشوده شد.

بنیای روحانی: الیشع و اربابه های آتشین

^{۱۲}سپس او اسب‌ها و اربابه‌ها و یک نیروی عظیم به آنجا فرستاد. آنها شبانه آمدند و شهر را محاصره کردند. ^{۱۵}وقتی خادم مرد خدا صبح زود بیدار شد و بیرون رفت، سپاهی با اسب‌ها و اربابه‌ها شهر را محاصره کرده بود. خدمتکار پرسید: «ای خداوند، ما چه کنیم؟» ^{۱۶}پیامبر پاسخ داد: «نترس، زیرا کسانی که با ما هستند، بیش از کسانی هستند که با آنها هستند.» ^{۱۷}و الیشا دعا کرد: «ای خداوند، چشمان او را باز کن تا ببیند.» آنگاه خداوند چشمان غلامش را باز کرد و او نگاه کرد و دید که کوه‌ها از اسب‌ها و اربابه های آتشین پر است و همه جا را در بر گرفته است. ^{۱۸}وقتی دشمن به سوی او پایین آمد، الیشا به خداوند دعا کرد و گفت: «خداوند، چشمان این مردم را کور ساز.» پس خداوند به درخواست الیشا، چشمانشان را کور ساخت (۲ پادشاهان ۶: ۱۴-۱۸؛ تأکید از ماست).

خادم الیشا مشکل را دید؛ الیشا اما محافظ را دید. وقتی با یک موقعیت «امیدبخش» روبرو می‌شوید، واکنش اول شما معمولاً چیست؟ چگونه می‌توانیم به طور عملی چشم‌های روحانی خود را تمرین دهیم تا «ارابه‌های آتشین» خدا را در میان یک بحران ببینیم؟

وقتی خادم الیشا لشکر عظیم ارام را که شهر را محاصره کرده بود دید، دلسرد شد. از دیدگاه انسانی، اوضاع ناامیدکننده به نظر می‌رسید. با این حال، ظاهر فریبنده بود. نیروهای روحانی خدا حضور داشتند و الیشا و خادمش را احاطه کرده بودند، هرچند آن جوان از آنها بی‌خبر بود. الیشا دعا کرد تا خدا چشمان خادمش را باز کند تا بتواند قلمرو روحانی اطرافشان را ببیند. در آن لحظه، در حین دعای الیشع، او فراتر از دنیای مادی را دید و نیروهای روحانی نامرئی خدا را درک کرد—موجودات فرشته‌ای که بسیار قدرتمندتر از ارتش ارام بودند. این قدرت الهی به شکست دشمنان اسرائیل انجامید. همان‌طور که خادم الیشع دریافت، در این قلمرو نامرئی، فرشتگان به قوم خدا یاری می‌رسانند. در روزگار ما نیز، مؤمنان لشکری از فرشتگان را برای یاری خود دارند.

یاری الهی: آیا ما فرشتگان نگهبان داریم؟

آیا همه فرشتگان، ارواحی خادم نیستند که برای خدمت به کسانی فرستاده شده‌اند که وارث نجات خواهند شد؟ (عبرانیان ۱: ۱۴).

در مواقع سختی چقدر به یاری الهی تکیه می‌کنید؟ خدایی که آینده را می‌داند، حتی پیش از آنکه به مسیح ایمان بیاوریم و قطعاً پس از آن نیز، فرشتگان را برای خدمت به ما می‌فرستد. کتاب مقدس نشان می‌دهد که فرشتگان به کسانی که وارث نجات خواهند شد، کمک و محافظت می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که خدا فعالانه برای کسانی که تصمیم می‌گیرند از او پیروی کنند، آماده می‌شود. حتی در دوران نوزادی، کتاب مقدس نشان می‌دهد که ما یک نگهبان نامرئی، یک فرشته مراقب خود، داریم. عیسی به این موضوع اشاره کرد:

مراقب باشید که یکی از این کوچکان را حقیر نشمارید. زیرا به شما می‌گویم که فرشتگان ایشان در آسمان همیشه چهره پدرم را که در آسمان است، می‌بینند (متی ۱۸: ۱۰).

ما برای کمک به فرشتگان روی نمی‌آوریم؛ در عوض، دعاها را به درگاه پدر عرضه می‌کنیم. موجودات فرشته‌ای دستورالعمل‌های خود را از خداوند دریافت می‌کنند. ایمان ما به خدا ما را به این قلمرو نامرئی پیوند می‌دهد، همان‌طور که چشمان آن خادم را گشود و الیشا را به دعا کردن به درگاه خدا واداشت. من معتقدم هر مسیحی فرشته‌ای دارد که مراقب اوست (اعمال رسولان ۱۵: ۱۲)، که برای خدمت به وارثان نجات فرستاده شده است (عبرانیان ۱: ۱۴). بسیاری از مسیحیان شبیه خادم الیشا هستند و از قدرت و منابع ماوراءطبیعی خدا بی‌خبرند. اکثر مؤمنان دانش محدودی از این قلمرو نامرئی دارند. ما اغلب بر امور مادی و کارهای روزمره تمرکز می‌کنیم و درگیر جزئیات پیش پا افتاده می‌شویم. چند وقت یک‌بار

واقعاً دعا می‌کنیم و برای دریافت کمک الهی به خدا اعتماد می‌کنیم؟ اگرچه خدا حاکم و قادر متعال است، اما او از طریق دعا و ایمان با ما شراکت می‌کند.

خطر جادوگری: فروپاشی دژهای روحانی

قبل از اینکه به مسیح ایمان بیاورم، دوستی از هارویچ در اسکس خود را در فعالیتهای جادویی درگیر کرده بود. برایان متوجه خطراتی که به خانه‌اش آورده بود نبود. پس از اینکه خانواده‌اش چندین بار از تخت ویجا استفاده کردند، شروع به شنیدن صداها و دیدن ارواح کردند. فرزندانش به دیدن ارواح بی‌جسم عادت کرده بودند که آن‌ها را فریب می‌دادند تا فکر کنند راهنمای روحانی هستند. خانواده این ارواح را با نام می‌شناختند و معتقد بودند «جادوی سفید» بی‌خطر است. اما یک شب، هنگامی که شیاطین شروع به تجلی کردند، هرج و مرج رخ داد و همه را وحشت‌زده کرد. آن‌ها فهمیدند که وارد چیزی بسیار تاریک و خطرناک شده‌اند و حضور شیاطین هر یک از آن‌ها را وحشت‌زده کرد.

این تجلیات در تمام طول روز ادامه داشت تا اینکه برایان آدرس کشیش کلیسای انجیلی محلی، هری هیوز، را به دست آورد و برای درخواست کمک راهی شد. در راه، صداها و تهدیدآمیزی را شنید که می‌گفتند: «اگر به خانه‌اش بروی، همگی شما را خواهیم کشت.» با وجود خطر، برایان صداها و تهدیدآمیزی را نادیده گرفت و برای دیدن هری هیوز رفت. هری رسید، خانه را پاکسازی کرد، دعا کرد و بر تمام ارواح پلید تسلط یافت و نمادهای جادویی را از بین برد. سپس خانواده را در دعاها و توبه رهبری کرد و هر تأثیر شریری را که ارواح تاریک بر آنها داشتند، انکار کرد. آنها عبادت خود را با تقدیم خانه‌شان به جلال مسیح و کلام خدا به پایان رساندند. پس از آنکه برایان و خانواده‌اش زندگی خود را وقف مسیح کردند — توبه کردند، هرگونه درگیری با امور غیبی را انکار و رها ساختند — زندگی‌شان کاملاً دگرگون شد و دیگر هیچ فعالیت شیطانی در خانه‌شان رخ نداد. این رویداد چشمانشان را به حقایق روحانی گشود و مسیر زندگی خانواده‌شان را تغییر داد.

داستان برایان نشان می‌دهد که «درهای» روحانی می‌توانند از طریق امور غیبی یا حتی عادات تغییردهنده ذهن باز شوند. آیا در زندگی یا خانواده شما «درهای باز» وجود دارد که باید امروز بسته شده و دوباره به مسیح تقدیم شوند؟

حوزه نامرئی چگونه بر ما تأثیر می‌گذارد؟

در مطالعه‌ای بعدی در این مجموعه درباره جنگ روحانی، زره محافظت‌کننده خدا را که به مؤمنان در مسیح برای کمک به آنها در جنگ روحانی‌شان علیه دشمن داده شده است، مورد بحث قرار خواهیم داد. فعلاً، بیایید بر «حصار یا حفاظ» طبیعی (ایوب ۱: ۱۰)، مانعی که از نفوذ دشمن به زندگی مردم جلوگیری می‌کند، تمرکز کنیم. وقتی شیطان از خدا خواست تا حمایت از ایوب را بردارد تا بتواند او را تحریک و آزمایش کند، به خدا شکایت کرد و گفت،

«آیا تو برای او و خانه و هر چه دارد، حصاری نگر دانه‌ای؟ کار دستانش را برکت داده‌ای، تا گله‌ها و رمه‌هایش در سراسر زمین پراکنده شده‌اند.»^{۱۱} اما دست خود را دراز کن و به هر چه دارد، آسیب برسان، و او یقیناً در حضور تو ناسزا خواهد گفت.» (ایوب ۱: ۱۰-۱۱).

در این مورد، شیطان تلاش کرد تا از طریق زندگی ایوب، مرد صالح، وفاداری خدا را بی‌اعتبار سازد. به دلایل نامعلومی، خدا حصار محافظ را برداشت و به شیطان اجازه داد تا به ایوب حمله کند. نقشه دشمن در نهایت ناکام ماند و خدا با وجود خسارت‌های وارده، به ایوب پاداش داد. این داستان بر اقتدار و علم بی‌نهایت خدا تأکید دارد. همچنین نشان می‌دهد که چگونه دشمن سعی می‌کند از سد طبیعی که از روح ما در برابر ترس، اسارت و نفوذ شیاطین محافظت می‌کند، عبور کند. یک «حصار معنوی» اطراف ما وجود دارد که حتی اگر از آن بی‌خبر باشیم، از ما محافظت می‌کند. هنگامی که ما به امور ماوراءالطبیعه یا مصرف مواد مخدر روی می‌آوریم، این حصار می‌تواند به آرامی از بین برود یا تضعیف شود و چیزهایی را که معمولاً پنهان هستند، آشکار و تجربه کردنشان را ممکن سازد.

دشمن ما، شیطان، به کسانی که از فرمان‌هایش پیروی می‌کنند، قدرت ماوراءالطبیعی می‌دهد. اگرچه این قدرت ممکن است وسوسه‌انگیز به نظر برسد، اما همیشه بهایی دارد. تمام اشکال نیروهای ماوراءالطبیعی شرور، یک تله به همراه دارند که مردم را در اسارت شیطانی گرفتار می‌کند. هنگامی که به دشمن اجازه می‌دهیم اراده‌اش را به انجام برساند، سرکوب و

تاریکی اجتناب‌ناپذیر است. علاوه بر این، مواد مخدری که باعث تغییر حالت‌های هوشیاری می‌شوند، راه دیگری برای تضعیف دفاع‌های معنوی هستند.

شیطان هرگز چنین تجربیاتی را بدون نزدیک‌تر کردن جویندگان در تاریکی به خود و گرفتار کردنشان در ترس، ارائه نمی‌دهد. اگر ما پذیرای این باشیم که خدا از ما استفاده کند، او به قوم خود قدرت می‌دهد تا با نیروی ماوراء طبیعی عمل کنند. با این حال، هنگامی که خدا به قوم خود دستور می‌دهد تا تحت اقتدار او عمل کنند، هرگز هیچ تله یا قید و شرطی وجود ندارد. مورد استفاده قرار گرفتن توسط خدا، شادی را به دل می‌آورد. هر جا روح خداوند باشد، همیشه آزادی و رهایی هست (دوم قرن‌تین ۱۷: ۳)، برخلاف دشمن.

چیپ اینگرام، نویسنده کتاب «جنگ نامرئی»، می‌گوید: «یک دنیای مرئی و یک دنیای نامرئی وجود دارد که با هم تلاقی می‌کنند و ما در آن تلاقی زندگی می‌کنیم.»^۱ وقتی مردم بیمار یا حتی در حال مرگ هستند، گاهی چیزهایی را در قلمرو نامرئی درک می‌کنند.

پولس رسول در حالی که به‌عنوان مؤمنی هدایت‌شده توسط روح القدس در مسیح زندگی می‌کرد، شاهد و تجربه رویدادهای فراطبیعی متعددی بود. یکی از این تجربیات را که با ما در میان می‌گذارد، چنین است:

^۱ باید به فخر فروختن ادامه دهم. اگرچه هیچ سودی ندارد، به رؤیاها و مکاشفات خداوند ادامه می‌دهم.^۲ می‌دانم مردی را در مسیح که چهارده سال پیش به آسمان سوم برده شد. آیا در بدن بود یا بیرون از بدن نمی‌دانم—خدا می‌داند. ^۳ می‌دانم که این مرد—چه در بدن و چه خارج از بدن نمی‌دانم، اما خدا می‌داند—به بهشت برده شد و سخنان ناگفتنی شنید، سخنانی که اجازه گفتن آنها را به هیچ کس ندارند (دوم قرن‌تین ۱۲: ۴-۱).

پولس تجربه‌ای را با خداوند بازگو می‌کند و در مورد اینکه آیا در سفر خود به آسمان سوم یا بهشت در بدن خود بوده یا خیر، ابراز تردید می‌کند. پیدایش ۱: ۱ می‌گوید که در ابتدا، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. کلمه «آسمان‌ها» جمع است و این سوال مهم را مطرح می‌کند: اگر مسکن خدا در آسمان سوم است، آسمان اول و دوم چیستند و در آنجا چه می‌گذرد؟

من باور ندارم که آسمان سوم در کهکشانی دور واقع باشد؛ این مکان فیزیکی مانند زمین نیست. برخی معتقدند آسمان اول شامل آسمان‌های فیزیکی مانند کهکشان‌ها، ستارگان و سیارات است، در حالی که آسمان دوم قلمرو معنوی نادیده‌ای است که با زمین تلاقی دارد. کتاب مقدس این موضوع را به‌طور قطعی اثبات نمی‌کند. آنچه روشن است این است که قلمروی نادیده‌ای فراتر از پنج حس ما وجود دارد. چه آن را آسمان اول بنامیم و چه آسمان دوم، می‌توان آن را به عنوان بُعد فضازمانی متفاوتی در نظر گرفت. اگر خداوند چشمان معنوی ما را باز کند - همانطور که برای خادم الیشا انجام داد - ما موجودات فرشته‌ای قدرتمند و شاید نیروهای شیطانی شروری را که سعی در تأثیرگذاری بر انسان‌ها دارند، خواهیم دید.

در جای دیگری، پولس رسول به کلیسای افسوس نوشت و در مورد روحی هشدار داد که آن را «شاهزاده قدرت هوا» نامید:

استراتژی شیطان: شاهزاده قدرت هوا

و شما را که در تخطی‌ها و گناهان مرده بودید، زنده ساخت؛ همان گناهانی که زمانی در آن بر طبق روش این جهان، و بر طبق فرمانروای قدرت هوا، یعنی همان روحی که اکنون در فرزندان نافرمانی کار می‌کند، راه می‌رفتید (افسیان ۲: ۱-۲؛ تأکید از ماست).

شاهزاده قدرت هوا کیست؟ چرا فکر می‌کنید او چنین نامیده شده است؟ می‌توانیم منطقی فرض کنیم که پولس در حال بحث درباره جهان نادیدنی است که شیطان از آن برای فریب بشر استفاده می‌کند. شیطان به‌عنوان روحی با مقام شاهزاده توصیف می‌شود که در بُعدی معنوی از قدرت در «هوا»، یعنی فضایی یا قلمرویی که در آن فعال است، ساکن است. در موردی دیگر،

^۱ چیپ اینگرام، جنگ نامرئی، منتشر شده توسط انتشارات بیکر بوکس، گرند ریپیدز، میثیگان. صفحه ۳۹.

عیسی شیطان را «حاکم این جهان» می‌نامد (یوحنا ۱۲:۳۱)، و حواری یوحنا به ما می‌گوید که جهان مادی که در آن زندگی می‌کنیم تحت کنترل شیطانی است: «ما می‌دانیم که فرزندان خدا هستیم و تمام جهان تحت کنترل شرور است» (اول یوحنا ۵:۱۹). برخی معتقدند که شیطان در مکانی واقعی به نام جهنم ساکن است، اما من فکر می‌کنم او هنوز در آنجا محبوس نشده است. مکاشفه ۱۲:۷-۱۳ زمانی را در آینده توصیف می‌کند که جنگی در آسمان رخ خواهد داد؛ در این رویداد، شیطان شکست خورده و به زمین افکنده خواهد شد.

۷سپس در آسمان جنگ برپا شد. میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگیدند و اژدها و فرشتگانش نیز مقابله کردند. «اما او به اندازه کافی قوی نبود و جایگاهشان را در آسمان از دست دادند. اژدهای بزرگ به زمین افکنده شد—همان مار کهن که شیطان یا ساتان نامیده می‌شود و تمام جهان را گمراه می‌کند. او به زمین افکنده شد و فرشتگانش نیز همراه او. ۱۰سپس صدای بلندی را در آسمان شنیدیم که می‌گفت: «اکنون نجات و قدرت و پادشاهی خدای ما و اقتدار مسیح او فرا رسیده است. زیرا متهم‌کننده پرادران و خواهران ما که شب و روز در حضور خدای ما بر آنها تهمت می‌زند، به زمین افکنده شده است» (مکاشفه ۱۲: ۷-۱۰).

این آیه نشان می‌دهد که او تا به حال ما را در حضور خدا متهم می‌کرده است، که با بخش قبلی در کتاب ایوب که خواندیم همخوانی دارد. این قلمرو معنوی صحنه نبردی میان فرشتگان الهی و شیاطین و ارباب شیطانی است. این درگیری بر سر تسلط بر زمین و هر انسان می‌چرخد. جنگی برای روح شما در جریان است و شیطان ترجیح می‌دهد که ما از این نبرد جاری بی‌خبر بمانیم. نفوذ او زمانی که ما از قلمرو معنوی و نیز از بهشت و جهنم بی‌اطلاع و غافل باشیم، بی‌مهار باقی می‌ماند.

سی. اس. لونیس، نویسنده انگلیسی، «نامه‌های اسکروتیپ» را نوشت؛ اثری داستانی که به موضوعات الهیات مسیحی، به‌ویژه استراتژی‌های نیروهای معنوی تاریکی می‌پردازد. لونیس داستان را از دیدگاه اسکروتیپ، یک شیطان ارشد که به ورم‌وود، یک شیطان جوان‌تر که مأموریتش جلوگیری از کشف مسیح توسط انسان‌ها یا در صورت کشف، تضعیف توانایی آن‌ها برای ایجاد تأثیر معنادار برای مسیح است، راهنمایی می‌کند، روایت می‌کند. در پیش‌گفتار، لونیس بر پیام اصلی خود تأکید می‌کند:

مردم ممکن است در دو اشتباه برابر و متضاد در مورد شیاطین بیفتند. یکی این است که به وجود آنها باور نداشته باشند. دیگری این است که به آنها باور داشته باشند و علاقه‌ای بیش از حد و ناسالم به آنها پیدا کنند. آنها به هر دو اشتباه به یک اندازه خوشحال می‌شوند و یک مادی‌گرا و یک جادوگر را با همان شادی می‌ستایند.²

در صفحه سی و یک، عمو اسروتیپ به دیو جوان، ورم‌وود، می‌نویسد و می‌گوید:

تعجب می‌کنم که از من می‌پرسی آیا ضروری است که بیمار [شخصی که شیطان در تلاش برای نابودی اوست] را از وجود خودت بی‌خبر نگه داری. آن سؤال، حداقل برای مرحله فعلی مبارزه، توسط فرماندهی عالی پاسخ داده شده است. سیاست ما در حال حاضر، پنهان کردن خودمان است. البته، همیشه این‌طور نبوده است. ما با یک دوراهی بی‌رحمانه روبرو هستیم. وقتی مردم به وجود ما باور ندارند، تمام نتایج دلپذیر تروریسم مستقیم را از دست می‌دهیم و هیچ جادوگری خلق نمی‌کنیم.

از سوی دیگر، وقتی آنها به ما ایمان می‌آورند، نمی‌توانیم آنها را مادی‌گرا و شکاک کنیم... فکر نمی‌کنم در تاریک نگه داشتن بیمار با مشکل زیادی مواجه شوید. این واقعیت که «شیاطین» در تخیل مدرن عمدتاً شخصیت‌های طنزآمیز هستند به شما کمک خواهد کرد. اگر حتی کوچکترین شک و تردیدی در مورد وجود شما در ذهن او شکل گرفت، تصویری از چیزی با لباس تنگ قرمز به ذهن او فرستید و او را متقاعد کنید که از آنجایی که نمی‌تواند به آن باور داشته باشد (این یک روش قدیمی در کتاب‌های درسی برای سردرگم کردن آنهاست)، بنابراین، نمی‌تواند به شما نیز باور داشته باشد.³

² سی. اس. لونیس، نامه‌های اسکروتیپ، منتشر شده توسط هارپرز انفر انسیسکو، انتشارات زوندروان. صفحه IX
³ همان، صفحه ۳۱.

سی. اس. لونیس اشاره کرده است که ما یا شیاطین را نادیده می‌گیریم یا وسواس فکری در مورد آنها پیدا می‌کنیم. شما به کدام یک از این دو افراط گرایش دارید؟ دانستن اینکه عیسی «کلیدهای مرگ و جهان مردگان» را در دست دارد (مکاشفه ۱: ۱۸)، سطح ترس شما را در مورد دشمن چگونه تغییر می‌دهد؟

برای کسانی که به مسیح ایمان ندارند، شیطان از هر روش ممکن استفاده می‌کند تا آنها را از پذیرش و پاسخ به کلام خدا از طریق ایمان به انجیل بازدارد. برای مسیحیان، هدف شیطان این است که ما را از قدرت و اقتدار خدا برای شکست دادن تمام نیروهای دشمن بی‌خبر نگه دارد (مرقس ۱۶: ۱۷-۱۸). کتاب مقدس شیطان را خدای این عصر می‌نامد:

خدای این عصر ذهن کافران را کور کرده است، تا نتوانند نور انجیل جلال مسیح را ببینند، کسی که صورت خداست (دوم قرنتیان ۴: ۴).

دشمن از استراتژی‌های مختلفی استفاده می‌کند تا شما را نسبت به انجیل کور و از قدرت خدا در درون و از طریق شما برای تأثیرگذاری بر این جهان غافل نگه دارد. ما با اعمال خود انتخاب می‌کنیم که به چه کسی گوش فرا دهیم و از چه کسی اطاعت کنیم: شیطان یا خداوند. اگر به شنیدن صدای شیطان با تردیدها و بی‌ایمانی‌های او ادامه دهیم، زندگی پرتیری برای خدا نخواهیم داشت.

یافتن پیروزی: حفاظت خدا و حصار خاها

عالم غیبی جایی است که فرشتگان خدا در آن فعالیت می‌کنند. داستان جالبی در کتاب اعداد درباره بلعام، مردی است که می‌توانست وارد قلمرو روحانی شود تا برکات یا نفرین‌ها را اعلام کند. در طول سفر بنی‌اسرائیل از مصر به سرزمین موعود، آنها از موآب که توسط پادشاه بالاق حکومت می‌شد، عبور کردند. بلاک گمان می‌کرد برای شکست دادن اسرائیل به کمک نیاز دارد، بنابراین بلعام، کاهن را احضار کرد تا بر اسرائیلیان نفرین کند. اگرچه خدا در ابتدا به بلعام گفت که نرود، اما او در برابر طمع و وعده پاداش تسلیم شد و از اطاعت سر باز زد. در نهایت، خدا به او اجازه داد برود، به شرط آنکه فقط آنچه را خدا فرمان داده است، بر زبان آورد. در طول سفر، تمرکز بلعام به این معطوف شد که چگونه می‌تواند پاداش بزرگی به دست آورد (دوم پطرس ۲: ۱۵). سپس خداوند فرشته‌ای را فرستاد تا با او روبرو شود. جالب اینجاست که خداوند دهان خر بلعام را گشود تا سخن بگوید! خر فرشته را در پیش دید و سعی کرد از آن دوری کند، حتی در این حین پای بلعام را به دیوار فشار داد.

^{۲۶} آنگاه فرشته خداوند جلوتر رفت و در مکانی تنگ ایستاد که جایی برای گردش به راست یا چپ نبود. ^{۲۷} وقتی الاغ فرشته خداوند را دید، زیر پای بلعام دراز کشید و او خشمگین شد و با عصایش آن را زد. ^{۲۸} آنگاه خداوند دهان الاغ را باز کرد و او به بلعام گفت: «چه کرده‌ام که این سه بار مرا می‌زنی؟» ^{۲۹} بلعام به الاغ پاسخ داد: «تو مرا مسخره کرده‌ای! اگر شمشیر در دستم بود، همین حالا تو را می‌کشتم.» ^{۳۰} خر به بلعام گفت: «مگر من خر خود تو نیستم که تا امروز همیشه سوارم شده‌ای؟ آیا من عادت داشتم که این کار را با تو بکنم؟» او گفت: «نه.» ^{۳۱} آنگاه خداوند چشمان بلعام را باز کرد و او فرشته خداوند را دید که در راه ایستاده و شمشیر کشیده‌اش در دست بود. پس خم شد و با روی زمین افتاد (اعداد ۲۲: ۲۶-۳۱؛ تأکید از ماست).

این بخش ممکن است غیرعادی به نظر برسد، اما خالق جهان آنقدر قدرتمند و مبتکر است که به یک حیوان اجازه می‌دهد با صاحبش صحبت کند. شگفت‌آورتر اینکه، بلعام واقعاً با الاغش گفتگو کرد! او شاید فکر می‌کرد که در حال خیال‌پردازی است. هر کسی که این داستان را می‌خواند می‌تواند ببیند که خدا قطعاً حس شوخ‌طبعی دارد. خدا رحم کرد که اجازه داد حیوان بلعام هشدار می‌دهد. اگرچه بلعام خود را از نظر روحانی آگاه می‌دانست، اما حرص و طمع او حواس معنوی‌اش را آنقدر کند کرده بود که خدا مجبور شد برای ارتباط با او از یک الاغ استفاده کند. دعا می‌کنم که هرگز مانند بلعام در برابر صدای خدا اینقدر کر نشوم. امیدوارم در بهشت بازپخش ویدیویی از این واقعه وجود داشته باشد، زیرا دوست دارم تعامل بین بلعام و خرش را ببینم. هاها! نکته ذکر این آیه این است که نشان می‌دهد دنیای نامرئی بسیار واقعی است و می‌تواند بر دنیای مادی تأثیر بگذارد.

آیا می‌دانستید که حیوانات اغلب از نظر روحانی حساس هستند؟ مطمئنم همه ما که سگ یا گربه داریم، متوجه شده‌ایم که حیوانات خانگی‌مان به چیزی در اتاق نگاه می‌کنند که برای چشم فیزیکی ما نامرئی است. حیوانات به حس کردن حضور روحانی شهرت دارند. آنها ممکن است فرشتگانی را مشاهده کنند که همواره مراقب ما هستند: «فرشته یهوه به گرداگرد ترسندگان او خیمه می‌زند و ایشان را نجات می‌دهد» (مزمور ۳۴: ۷).

مؤمنان به مسیح مطمئن هستند که قدرت عظیم خدا در دسترس ماست وقتی از راهنمایی او پیروی می‌کنیم (افسیان ۱۷: ۱). اما چرا اغلب شاهد قدرت بیشتری از خدا در میان پیروان او نیستیم؟ کتاب یعقوب می‌گوید: «شما ندارید، زیرا از خدا نمی‌خواهید» (یعقوب ۲: ۴). خدا مشتاقانه منتظر است تا کلیسای خود را در بهره‌مندی از قدرت بیشتری یاری کند. شیطان بیش از هر زمان دیگری می‌ترسد وقتی مردم خدا از طریق دعا بر او تکیه می‌کنند. ما نیازمند دل‌هایی حساس و پذیرای هدایت روح القدس در زندگی روزمره هستیم. واکنش نشان دادن بدون جستجوی راهنمایی خدا یا پرسیدن اینکه او چه می‌کند، آسان است. در تمام تجربیات‌مان باید تشخیص دهیم که آیا نیروهای معنوی دخیل هستند یا خیر. با توجه به شیوع فعالیت‌های جادویی و شیطانی در عصر حاضر، ضروری است که بیاموزیم با دقت به پدر گوش فرا دهیم.

خداوند با تلاش برای برکت دادن به اطرافیانش، نمونه عالی اطاعت از پدر را به نمایش گذاشت. چالش ما این است که تشخیص دهیم و بفهمیم خدا در درون و اطراف ما چه می‌کند. هرچه بیشتر در اتکا به کلام خدا و روح القدس رشد کنیم، بهتر می‌توانیم بر مصائبی که دشمن می‌کوشد بر زندگی ما و اطرافیانشان تحمیل کند، غلبه کنیم. تاکتیک‌های اصلی دشمن علیه ما عبارتند از ترس، فریب، دستکاری و وسوسه به گناه. ما باید انتخاب کنیم که به کدام صدا گوش فرا دهیم و از آن اطاعت کنیم: صدای شیطان یا صدای مسیح. عیسی به ما یادآوری می‌کند که شیطان یک دشمن شکست‌خورده است.

اینها را به شما گفتم تا در من آرامش یابید. در این جهان رنج خواهید برد. اما دلگرم باشید! من بر جهان غلبه کرده‌ام (یوحنا ۱۶: ۳۳).

شیطان کجا شکست خورد؟ بر فراز صلیب مسیح. آنچه شیطان پیروزی می‌پنداشت، به بزرگترین شکست او تبدیل شد. کسی که هیچ گناهی نمی‌شناخت، به جای ما گناه شد (دوم قرنتیان ۵: ۲۱). ما از طریق ایمانمان به مسیح، وارد پیروزی او بر شیطان شده‌ایم. یوحنا رسول نوشت، «دلیل تجلی پسر خدا این بود که کارهای ابلیس را نابود کند» (اول یوحنا ۳: ۸). ما که از آن مسیح هستیم، دیگر در اسارت شیطان و گناه نیستیم. ما از بندگی نیروهای روحانی تاریک و نامرئی‌هایی یافته‌ایم. پولس رسول می‌نویسد: «زیرا او [خدا] ما را از سلطنت تاریکی‌هایی بخشید و ما را به ملکوت فرزندانی که دوستش می‌دارد، وارد ساخت؛ در او رستگاری و آمرزش گناهان داریم» (کولسیان ۱: ۱۳). جهانی نامرئی با این جهان تلاقی دارد، اما ما که از آن مسیح هستیم، دیگر زیر سلطه شیطان نیستیم—مسیح بر او در صلیب غلبه کرده است. چه پیروزی‌ای! عیسی گفت: «من آن زنده هستم؛ مرده بودم و اینک تا ابد زنده هستم! و کلیدهای مرگ و هادس را در دست دارم» (مکاشفه ۱: ۱۸). بگذارید این در روح شما طنین‌انداز شود!

چگونه امروز از این مطالعه بهره ببریم:

1. فضای خود را بازبینی کنید: جنگ روحانی اغلب با آنچه به خانه‌ها و ذهن‌هایمان راه می‌دهیم آغاز می‌شود. این هفته، یک چیز را شناسایی کنید (یک برنامه تلویزیونی، یک عادت، یک فکر رنجش‌آلود یا یک شیء) که ممکن است «حصار روحانی» شما را تضعیف کند. آن را حذف کرده و با دعا یا کتاب مقدس جایگزین کنید.
2. زندگی مبتنی بر «نگاه دوم» را تمرین کنید: وقتی این هفته با درگیری‌ای در محل کار یا خانه مواجه شدید، فقط به شخص (جنبه فیزیکی) واکنش نشان ندهید. مکث کنید و دعا کنید: «پروردگارا، چشمانم را باز کن تا ببینم در اینجا در روح چه می‌گذرد.» برای مداخله کردن، از او آرامش بطلبید.
3. حاکمیت خود را اعلام کنید: شما مجبور نیستید برای پیروزی التماس کنید؛ شما از موضع پیروزی عمل می‌کنید. اگر احساس ستم یا ترس می‌کنید، با صدای بلند بگویید: «من از ملکوت خدا هستم. من از سلطنت تاریکی‌هایی یافته‌ام (کلیسیان ۱: ۱۳). به نام عیسی، این ترس را رد می‌کنم.»

دعا: ای پدر، از تو می‌خواهم که آگاهی عمیق‌تری از آنچه در زمین انجام می‌دهی به من عطا کنی. باشد که دیدگاهم نسبت به جهان با عدسی کلام تو همسو شود و مرا از نیروهای شرّی که دیده نمی‌شوند و در پی سقوط من هستند، محافظت کند. پادشاهی تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز بیاید. آمین.

کیت توماس

وبسایت: www.groupbiblestudy.com

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>